

Contemplation Merat al-Asr Anthology

Najaf Jokar 

Professor, Department of Persian Language and Literature ,Shiraz University, Shiraz, Iran

Sharare Tajmir Riahi* 

Ph.D, department of Persian Language and Literature ,Shiraz University, Shiraz ,Iran

Abstract

Abdurrahman Chishti bin Abdur Rasool bin Qasim bin Shah Chishti is one of the mystics of the Chishti dynasty whose name is not found in tazkira and mystical texts. For the first time, professor Dr. Tawfiq Sobhani mentioned his works such as Merat al-Asrar, Merat Madari, Merat al-Haqayq, Merat Masoudi, Orad Chishtiyyeh and Nafs Rahmani in his book A Look at the History of Persian Literature in India. His most famous book is Merat al-Asr, which has not been corrected so far. This work provides valuable information about the Chishtiyyah dynasty and the Persian mystics of the Indian subcontinent, which are not widely known in Iran. Despite the importance of this edition, previous researches have been silent about the sameness of Marat al-Asrar and Marat Masoudi, the year of writing and its prose style. This research examines the text with a library approach and proves that the prose of the text belongs to the Safavieh, Intermediate period and the time of its writing, 1045 to 1065 A.H. Is.

Keyword: Marat al-Asr, Abdurrahman Cheshtieh, style.

Accepted: 14/02/2024

Received: 23/09/2023

EISSN: 2821-0751 ISSN: 2821-0743

*Corresponding Author: tajmirsharare@gmail.com

How to Cite: Jokar, N., Tajmir Riahi, Sh. (2024). Contemplation Merat al-Asr Anthology. *Mysticism in Persian Literature*, Vol. 2, No. 4, 81-100. doi: ---

تأملی در تذکره مرآت الاسرار

نجم جوکار 

ادنتسد گروه زبان‌واالدبید فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

شراره تاجمیر ریاحی* 

دکتری زبان‌واالهی ll فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

عبدالرحمان چشتی بن عبدالرسول بن قاسم بن شاه چشتی یکی از عارفان سلسله چشتیه است که در تذکره‌ها و متون عرفانی نامی از او دیده نمی‌شود. نخستین بار استاد دکتر توفیق سبحانی در کتاب نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند به آثار وی چون مرآت‌الاسرار، مرآت‌المداری، مرآت‌الحقایق، مرآت‌مسعودی، اوراد چشتیه و نفس رحمانی اشاره کرده است. مشهورترین کتاب او مرآت‌الاسرار است که تاکنون تصحیح نشده است. این اثر آگاهی‌های ارزشمندی درباره سلسله چشتیه و عارفان فارسی سرای شبه قاره هند به دست می‌دهد که در ایران اطلاعات زیادی از آن‌ها در دست نیست. با توجه به اهمیت این نسخه، پژوهش‌های پیشین درباره یکی بودن مرآت‌الاسرار و مرآت‌مسعودی، سال نگارش و سبک نثر آن سکوت کرده‌اند. این پژوهش با رویکرد کتابخانه‌ای به بررسی متن می‌پردازد و ثابت می‌کند که نثر متن متعلق به دوره صفویه، بینابین و زمان نگارش آن، سال ۱۰۴۵ تا ۱۰۶۵ هجری قمری است.

واژه‌های کلیدی: مرآت‌الاسرار، عبدالرحمان عباسی چشتی، سبک.

مقدمه

مرآت‌الاسرار یکی از تذکرة‌های مهم صوفیان و رساله‌ای در آداب سلوک و بیان طبقات مشایخ صوفیه است. از این متن ۹ نسخه در دست است و تنها یک‌بار به زبان اردو تصحیح شده است. عبدالرحمن چشتی بیست و نه طبقه اولیا را نام می‌برد، اما تنها تا طبقه بیست و سوم را شرح می‌دهد. او اولین طبقه را با ابوبکر شروع می‌کند و آخرین طبقه را با شیخ احمد عبدالحق به پایان می‌برد (عباسی چشتی، نسخه مجلس: ۱۸-۲۵). سپس چهارده خانواده اصل و دیگر خانواده‌های فرعی، رجال‌الله غوث، قطب، ولایت مطلقه و مقیده، انواع خلافت صغری و کبری را نام می‌برد (همان: ۲۶-۲۷).

عباسی چشتی دلیل انتخاب اولین طبقه را «وحدانیت» خدا ذکر می‌کند و بیست و هشت طبقه دیگر را به دلیل بیست و هشت اسماء الهی ربط می‌دهد: «ایشان را نیز به حکم من تشبه قوماً فهو منهم ذکر کرده شده موافق بیست و هشت اسماء الهی کلی که مربی قلب اولیاء‌الله‌اند و هر یکی ولی به صفت اسم مربی خود موصوف شد و به قدر استعداد فیض به مقدار عالم کون می‌رساند و از مقتدای کون به عوام کون می‌رسد» (عباسی چشتی، جلد ۱، مجلس: ۱۰).

خانواده‌های اصل در این کتاب عبارتند از: «زیدیان، عیاضیان، ادهمیان، هییره، چشتیان، عجمیان، طیفوریان، کرخیان، صقطیان، جنیدیان، کازرونیان، طوسیان، سهروردیان، فردوسیان» (همان: ۲۹). دوازده خانواده هم از حضرت علی (ع) نام می‌برد: «قادریه، یسویه، نقشبندیه، نوریه، خضرویه، شطاریه عشقیه، حسینی، زاهدیه، انصاریه، صفویه، عیدروسیه» (همان: ۲۹-۴۴). او در این کتاب نام برخی از شاعران بی‌نظیر ادب پارسی را نیز آورده است: سعدی، عطار، مولوی و...

عباسی چشتی به شرح آداب طریقت و اسرار حقیقت از منظر عرفای مختلف پرداخته است و به کتاب آن‌ها استناد می‌دهد؛ همچون: فصل الخطاب، فصوص الحکم، فتوحات مکی و... (همان: ۶۰-۶۶). سپس آداب چشتیه را با استناد به کتب مختلف نام می‌برد؛ همچون: سیرالاولیا و... (۶۶-۶۷) و در آخر با ذکر هر طبقه، حکایات مهم مربوط به هر یک از عرفا را با ذکر منبع آورده است.

او نسب و القاب و کنیه تمامی عارفان را به صورت کامل ذکر می‌کند. به عنوان نمونه نسب امیر تیمور گورکانی را با چهارده پشت به «نور بحر قآن بن النقوا» می‌رساند. النقوا از اولاد پاک نهاد «ترک بن یافث بن نوح (ع)» و نسب حضرت مریم را به «سام بن نوح (ع)» می‌رساند. منظور عباسی از نور بحر قآن همان حضرت عیسی (ع) است و امیر تیمور را به سبب حضرت عیسی دارای ولایت صوری و معنوی و صاحب قران می‌داند (عباسی چشتی، نسخه مجلس، جلد ۱: ۹).

او تعداد فرق منشعب از اسلام را هفتاد و دو گروه می‌داند که بر اساس حدیث نبوی یک گروه از آن‌ها رستگار خواهند شد (همان: ۴). سپس به شرح هر یک از این فرق با نقل از کتاب عروه الوثقی از علاءالدوله می‌پردازد.

عباسی چشتی چهار نوع ولایت محمدی را نام می‌برد: اول ولایت خاتم الاولیا که از آن حضرت علی (ع) است، دوم ولایت محمدی که جامع تصرف معنوی و صوری باشد، اما مقرون به خلافت نباشد. این ولایت از آن حضرت مهدی (ع) است و هیچ کس پس از وی ولی سلطان نشود و او را خاتم صغیر گویند. ولی دیگر «محمی الدین ابن عربی» است که او را خاتم اصغر گویند. او تنها تصرف معنوی دارد و ولایت او مقرون به خلافت نیست. خاتم نوع چهارم از ولایت عیسی ابن مریم (ع) است که هیچ ولی موجود نشود الا به او ختم شود و او را خاتم اکبر گویند (همان: ۲۶-۲۷).

او مراتبی را برای اقطاب تعریف می‌کند: اولین مرتبه «ولی» است که اگر به فیض برسد قطب ولایت می‌شود. سپس به مقام قطب اقالیم، عبدالرب، قطب ارشاد یا قطب عالم می‌رسد و هرگاه قطب عالم دیر زید و در سلوک باشد به مقام «فردانیت» و پس از این مرحله به «قطب مداری» می‌رسد. عباسی چشتی معتقد است که این مقام‌ها همیشگی نیست. او از «حضرت شیخ نصیرالدین محمود چشتی» به عنوان قطب مداری (به مدت ۲۸ سال و سه ماه و دو روز) نام می‌برد (همان: ۲۷).

همان‌طور که ملاحظه شد مرآت‌الاسرار منبعی ارزشمند از اطلاعات عرفانی و عرفا است که در تذکره‌های فارسی نامی از آن نیامده است؛ از این رو، خوانش و کنکاش این منبع به عنوان سندی قابل اعتماد شایان توجه است.

۱. پیشینه پژوهش

کتاب مرآت الاسرار توسط «مولانا الحاج کپتان واحد بخش سیال چشتی صابری» در تاریخ ۱۹۹۳ میلادی به زبان اردو ترجمه، تصحیح و توسط نشر «ضیاء القرآن پبلی کیشنز گنج بخش روژ لاهور» منتشر شده است. مترجم و مصحح این کتاب توضیحاتی کلی در مورد نویسنده و طریقت او ذکر کرده، اما مطالب این متن را به بوته نقد و تحلیل نکشاده است. مولانا صابری چشتی درباره دلیل تصحیح و ترجمه این کتاب به دو نکته اشاره می کند: ۱- به خاطر گرایش فکری خود (که چشتیه است) و ۲- به خاطر تأثیری که این فرقه در نشر اسلام در غرب و شرق داشته است.

سید وحید اشرف در کتاب مقدمه لطائف شرفی کتاب مرآت الاسرار را یکی از کتب مستند و قابل اعتماد می داند و برای محاسبه سن سید اشرف جهانگیر سمنانی از قول عباسی چشتی بهره می برد (اشرف، ۱۹۷۳: ۹). توفیق سبحانی در کتاب نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند به معرفی این کتاب و سایر کتاب های نویسنده می پردازد. این کتاب، تنها منبع فارسی است که آثار دیگر عباسی چشتی را نام برده است (سبحانی، ۱۳۷۷: ۴۸۳-۴۸۴). خواجهگان چشت اثر شیخ الله دیه بن شیخ عبدالرحیم چشتی است و شامل زندگی نامه های مشایخ چشتیه است، اما نام «عباسی چشتی» در این کتاب نیامده است. این کتاب حاوی اطلاعات مهمی درباره آداب و رسوم و سلوک مشایخ چشتیه است (عبدالرحیم چشتی، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۳). معین الدین چشتی رساله ای در ذکر زندگی حضرت خواجه معین الدین چشتی از زایش تا مرگ دارد که نام این رساله در «فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور گنجینه آذر» ذکر شده است (نوشاهی، ۱۴۰۶: ۴۴۱). قطب جمال الدین هالسوی دارای شجره نامه چشتیه و قادریه به نظم و نثر است که نام آن در «فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور گنجینه آذر» ذکر شده است (همان: ۴۳۷).

مقاله «سلسله سهروردیه در شبه قاره هند» اثر جعفری به بررسی سلسله سهروردیه می پردازد، اما اشاره ای به سلسله چشتیه نکرده است (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۰۳-۲۲۲).

۲. روش پژوهش

روش بررسی این پژوهش بر اساس رویکرد کتابخانه‌ای است. در این مقاله ابتدا نویسنده معرفی و سپس متن از منظر سبک شناسی بررسی می‌شود.

۳. تحلیل داده‌ها

سبک‌شناسی و مشخص کردن شیوه نوشتار منوط به شناخت جهان‌بینی نویسنده، زمان حیات او و مختصات زبانی و ادبی نثر او است؛ بنابراین، پژوهش حاضر به بررسی سه مقوله می‌پردازد و سبک متن را تعیین می‌کند.

۶. عباسی چشتی

مولانا صابری -مصحح اثر به زبان اردو- سال تولد عباسی چشتی را در ۹ ربیع‌الاول سال ۱۰۰۵ هجری، زمان تألیف کتاب را بین سال‌های ۱۰۴۵ تا ۱۰۶۵ هجری و زمان مرگ او را ۱۰۹۴ هجری می‌داند. عباسی چشتی در متن مرآت‌الاسرار نیز به این نکته اذعان دارد که پدرش در زمان اکبرشاه سال ۱۰۰۲ هجری به منطقه لکهنو می‌رود و عباسی چشتی در آن منطقه و در پنجشنبه نهم ماه ربیع‌الآخر سال ۱۰۰۵ هجری متولد می‌شود (همان: ۱۵۰). نسب او به «شیخ دانیال عرف مولانا عود» و از طریق او به حضرت ابوالفضل العباس و امیرالمومنین (ع) می‌رسد (عباسی چشتی، نسخه مجلس، جلد ۲: ۱۴۶-۱۴۵). در چهار سالگی به خدمت شیخ محمد بن بندگی شیخ نظام‌الدین اپن‌تهی می‌آید و با آیه «بسم الله الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. اَللّٰهُمَّ عَلِّمْنَا الْقُرْآنَ» متحول می‌شود. سپس به آموختن علم امر و نهی می‌پردازد و بر نفس خود چیره می‌شود. در سن ۱۹ سالگی زمان سلطنت نورالدین محمد جهانگیر پادشاه بن اکبرشاه عاشق می‌شود و سپس از عشق مجازی به عشق الهی و مرحله طلب می‌رسد. به دلیل درک زمان سالار مسعود غازی و نام بردن از این حاکم، مرآت‌الاسرار به نام مرآت مسعودی نیز شناخته می‌شود (همان: ۱۴۵).

توفیق سبحانی در کتاب خود «نگاهی به تاریخ ادب فارسی» از این نویسنده نام می‌برد و کتاب مرآت مسعودی و مرآت‌الاسرار را دو کتاب مجزا می‌پندارد (سبحانی، ۱۳۷۷: ۴۸۳-۴۸۴)، اما با توجه به اینکه نگارش این کتاب در زمان سالار مسعود غازی است و در فهرست‌های ایران، پاکستان و هند نامی جداگانه از کتاب مرآت مسعودی نیست،

مرآت‌الاسرار همان مرآت مسعودی است. از میان کتاب‌های او تنها نسخهٔ اوراد چشتیه در نسخ خطی گنج‌بخش به شماره «۱۷۹۸۶ از سی دی ۶۳۵ با شماره بازیابی ۵۱۱۵» موجود است. کتاب مرآت‌مداری او نیز به زبان اردو توسط چشتی تصحیح و ترجمه شده است. او در ابتدای جوانی و برای انتخاب مذهب و راه سلوک در جلسات مباحثهٔ «عبدالرزاق کاشی» و «شیخ علاوالدوله سمنانی» با موضوع وحدت وجود حاضر می‌شود (همان، نسخه ۳۳۵۴۵، جلد ۱: ۷). سلوک را بر پایهٔ کتاب «قوة القلوب» ابوطالب مکی پیش می‌گیرد، اما وسوسهٔ شیطان به سراغ او می‌آید و دچار تردید می‌شود که کدام فرقه بر حق است. در حالت شهود حضرت رسول (ص) را ملاقات می‌کند و می‌فهمد که فرقهٔ ناجیه همان امت رسول اکرم هستند. او در فرق مختلف اسلام تحقیق می‌کند و در نهایت همان فرقهٔ تصوف و مذهب حنفی را برمی‌گزیند (همان، ۱۴۹۳: ۸).

عباسی چشتی به حسب ظاهر از پیروان قطب وقت «شیخ حمید» بود. او چندبار چله‌نشینی می‌کند و ریاضت می‌کشد، اما آرزویش که پیوستن به فرقهٔ متصوفه است، محقق نمی‌شود. هنگام خوانش معراج خواجه بایزید بسطامی به آرزویش که همان کشف شهودی است، می‌رسد. در سال ۱۰۴۵ هجری به حکم باطن دستگیر معنوی‌اش خواجه بزرگ معین‌الحق والدین چشتی و در زمان نورالدین محمد جهانگیر پادشاه شروع به نگارش کتاب مرآت‌الاسرار می‌کند. هنگام نگارش کتاب در عالم شهود با ۳۵۷ ابدال بر سرچشمهٔ نیل ملاقات می‌کند (همان: ۳۲). او برای فهم و تشخیص مقام ختم ولایت به دیدار اکثر مشایخ وقت خود نظیر شیخ ابوالوفا خوارزمی، امام عبدالله یافعی و شیخ رکن‌الدین قشیری و... می‌رسد و با آن‌ها گفت‌وگو می‌کند (عباسی چشتی، نسخهٔ مجلس، جلد ۱: ۴۱). عباسی چشتی مخدوم خود را در طریقت چشتیه، خواجه معین‌الدین می‌داند. عباسی چشتی پس از قول شیخ احمد عبدالحق، خود را جزء چهارمرد صاحب ولایت و تصرف نام می‌برد (همان: ۴). عباسی چشتی به خدمت جهانگیرشاه مأمور می‌شود و مدتی هر سال همراه با میرسید نعمت‌الله قادری در اکبرآباد به دیدن میرسید محمد گجراتی می‌رود (عباسی چشتی، مجلس، جلد ۲: ۵۳۰-۵۳۱). پس از رفتن جهانگیر پادشاه به کشمیر، عباسی چشتی از اکبرآباد به خانه می‌رود و انزوا اختیار می‌کند. در سال ۱۰۲۸ هجری مزاج جهانگیر شاه از حد اعتدال خارج و حکومت بین فرزندان او تقسیم می‌شود. عباسی چشتی نوشتن کتاب

مرآت‌الاسرار را در ۲۷ شوال ۱۰۶۵ هجری به حکم باطن بر ذکر مخدوم «شیخ حسام‌الدین مانکپوری» ختم می‌کند. او پس از شخصی به نام «شیخ فیروز» محافظ جان خلیفه می‌شود، اما در سال ۱۰۶۷ هجری بر بستر بیماری سخت می‌افتد (عباسی چشتی، مجلس، ج ۲: ۵۳۱). با توجه به مطالب گفته شده، متن مرآت‌الاسرار در زمره متن‌های عهد صفویه قرار می‌گیرد. در عهد صفویه متن‌های عرفانی دو دسته‌اند: یک دسته متن تذکره‌های عرفانی و دسته دیگر توضیح اصطلاحات عرفانی و بیان شطحیات است. با وجود آنکه عباسی چشتی، عارف و صاحب ولایت است و منابع عرفانی متعددی را مطالعه کرده، اما متن *مرآت‌الاسرار*، فاقد شطحیات و سخنان عجیب و پیچیده عرفانی است.

۵. بررسی متن از دیدگاه فکری

گرایش فکری نویسنده، چشتیه است و به همین دلیل متن مرآت‌الاسرار در جلد دوم به بیان باورها، چگونگی شکل‌گیری سلسله چشتیه پرداخته است. این سلسله دنباله سلسله ادهمیه است و پیروان آن «حنفی» مذهبند و به اهل بیت ارادت خاصی دارند. این فرقه در شبه قاره هند گسترش بسیار زیادی یافت و از این رو، بیشتر کتب مربوط به چشتیه به زبان اردو و در هند منتشر شده است. پایگاه شکل‌گیری این سلسله به گفته عباسی چشتی از چشت خراسان (در نواحی هرات) قرار دارد. مبدأ این فرقه از ابواسحاق چشتی است. شیخ ابواسحاق به دیدار خواجه علو دینوری در بغداد می‌رسد و خواجه علو دینوری می‌گوید که فرقه چشتیه از ابواسحاق شروع می‌شود (عباسی چشتی، مجلس، جلد ۱: ۱۸). خواجه علو دینوری ابواسحاق را به چشت می‌فرستد. ابواسحاق شاگردان متعددی را تربیت می‌کند. خرقة خلافت پس از ابواسحاق به خواجه ابواحمد ابدال، خواجه محمد چشتی، خواجه ابویوسف چشتی، خواجه مودود چشتی می‌رسد. این پنج تن در چشت بودند و از خلفای ایشان نیز پنج تن در ملک هندوستان هند بودند: خواجه معین‌الدین چشتی، خواجه قطب‌الدین چشتی، خواجه فریدالدین چشتی، خواجه نظام‌الدین چشتی، خواجه نصیرالدین چشتی است. هر شجره چشتی به این پنج تن در ملک هندوستان می‌رسد.

به نوشته جامی، نخستین فرد از این سلسله که به هند سفر کرد، خواجه محمدبن ابواحمد چشتی بود که همراه سلطان محمود غزنوی در جنگ سومنات شرکت کرد، اما سندی در دست نیست که نشان دهد وی در هند پیروانی یافته است. (جامی، ۱۳۹۴: ۳۲۹).

گفته‌های عباسی چشتی در مرآت‌الاسرار نشان می‌دهد که مروج سلسله چشتیه در هند، خواجه معین‌الدین چشتی بوده است. خواجه بعد از فوت خواجه معین‌الدین چشتی دو تن از مریدان وی دو سلسله را تأسیس کردند: شاه عبدالله کرمانی (متوفی ۶۵۸) سلسله کرمانیه را در بنگال و پیر کریم سیلونی (متوفی ۶۶۳) سلسله کریمیه را در سیلون بنیان گذاشتند. آریا، سلسله چشتیه را به لحاظ قدمت از طریقه‌های دیگر سهروردیه، قادری و نقشبندیه مقدم‌تر می‌داند: «این سلسله دنباله طریقه ادهمیه (منسوب به ابراهیم ادهم) است و از زمان ابواسحاق شامی (متوفی ۳۲۹ هجری) به چشتیه معروف شده است. بنابراین، چشتیه، اولین و مهم‌ترین سلسله در هند است، اما این سلسله در ایران ناشناس مانده است» (آریا، ۱۳۶۵: ۷۰). او در ادامه می‌نویسد: شجره این طریقت به حضرت علی (ع) می‌رسد (همان: ۷۵). فریدالدین گنجشکر نیز شاخه سوم به نام فریدیه را بنیان نهاد که از آن دو اهمیت بیشتری داشت. پس از مرگ فریدالدین، دو تن از خلفای وی، نظام‌الدین اولیاء ملقب به محبوب‌الاهی در دهلی و علاءالدین علی‌بن احمد صابر در کلیر، این شاخه را به دو شعبه نظامیه و صابریه تقسیم کردن. (حسنی، ۱۹۸۳، جلد ۱: ۱۸۱). اول کسی که در هندوستان حقایق و معارف چشتیه را تصنیف کرده است «شیخ حمیدالدین صوفی السوالی» صاحب کتاب‌های اصول طریقت و رساله عشقیه است (عباسی چشتی، بیتا، نسخه مجلس: ۲۵۹-۲۶۰).

سلسله چشتیه در آغاز به ظواهر شریعت اسلام توجه بسیار می‌کردند. از این جهت فقیهان نسبت به آن‌ها علاقه‌مند بودند، اما چندی بعد به جای کشف‌المحجوب هجویری و عوارف‌المعارف سهروردی لمعات عراق و فصوص‌الحکم ابن العربی مورد استفاده و مطالعه و توجه آنان قرار گرفت. سعیدیان می‌نویسد: «در نتیجه تابع وحدت وجودی شدند حتی شرط ورود به این سلسله را اسلام نمی‌دانستند و از این جهت مورد نفرت و خشم فقیهان قرار گرفتند. چله‌نشینی، سیر مدارک سلوک، مقامات و مراقبت باطن برخی از اصول اساسی این سلسله است» (سعیدیان، ۱۳۸۶، جلد ۲: ۱۵۶۷). مصاحب می‌گوید: «... و حتی قبول اسلام را شرط لازم و اصلی برای ورود به سلسله هویتش نشمردند و این امور از اسباب مخالفت بعضی فقها و فرق دیگر صوفیه با آن‌ها شد. ترک دنیا، قناعت، توکل، اجتناب از خشونت احتراز از صحبت اهل دنیا اساس طریقه آن‌هاست و در طی مدارج

سلوک خویش ذکر جهر، ذکر خفی، پاس انفاس، مراقبت باطن و چله‌نشینی را معمول می‌دارند. ملفوظات، مکتوبات و سیر و مقالات عده زیادی مشایخ آن‌ها باقی است و اصول تعالیم و عقاید آن‌ها را از مجموع این آثار استنباط کرد» (مصاحب، ۱۳۴۵: ۷۹۹-۸۰۰).

لعلی بدخشی دلیل پیشرفت سلسله چشتیه در میان مردم شبه قاره را به خاطر داشتن دو ویژگی خاص می‌داند: «اول دوری گزیدن از اصحاب قدرت و به سر بردن در کنج فقر با ریاضت‌های شاقه و مراقبه. دوم گرایش فراوان به ذوق و وجد و حال و سماع؛ به طوری که برگزاری مجالس سماع مهم‌ترین آداب آیینی برای دفع قبض و ملال این سلسله است» (لعلی بدخشی، ۱۳۷۶: ۲۶).

از جمله آداب این فرقه از زبان چشتی چنین است:

۱- ظاهراً نعره زدن در حال وجد و سماع در چشتیه رسم بوده است و پیران عرس می‌کردند (عباسی چشتی، مجلس، جلد ۱: ۱۸).

۲- فقرا را بر اغنیا ترجیح می‌دادند و با هر فرقه به تواضع رفتار می‌کردند (همان: ۱۸).

۳- در تربیت مریدان همت بسیار داشتند (همان: ۱۸).

۴- خلق را به حق مشغول گردانند و هر چه دون حق باشد آن را نهی می‌کنند. همیشه در صفای باطن می‌کوشند (همان، جلد ۱ مجلس: ۱۳۳).

۵- ریاضت را عزیز می‌دارند (همان: ۱۳۳).

۶- هر قوم را بهتر از خود دانند و با هر فرقه از راه صلح و محبت درآیند و همیشه نظر ایشان به جانب وحدت وجود باشد، هر چند در کثرت هم باشند «ولیکن جمال احدیت را در عین کثرت مشاهده کنند و اول مرید را مراقبه لاموجود اَلَا الله فرمایند که از ایمان محروم نماند» (همان).

۷- «هر شغلی و عبادتی که بر خود قرار داده باشند تا لب گور آن را فوت نکنند مگر آنکه به جهت ترک بعضی مکاسب از جانب حضرت سبحانه تعالی بی‌واسطه مأمور شوند» (همان).

۸- «دائم مست هوشیار باشند؛ یعنی ایشان جامع باشند میان سکر و صحو به خلاف طیفوریان و جنیدیان» (همان).

۹- «چشتیان چندان در ادب و تواضع و اخلاق پسندیده خوی گیرند که هیچ قوم را از ایشان نفرت نبود و عقل و زیرکی را بر علم فضل نهند» (همان)
۱۰- در قریه و شهر مسکن داشتند و دارای دو صفت بودند یکی ترک و ایثار و دوم عشق و انکسار (همان).

مضامین مطرح در نسخه مرآت الاسرار نشان می‌دهد که این متن، بیش از آنکه یک تذکره صرف باشد، کتابی جامع درباره فرق مختلف صوفیه و آداب و سلوک ایشان است و از نظر نوع هم در زمره کتاب‌های تذکره عرفا و هم جزء کتاب‌های درسی عرفان قرار می‌گیرد.

۶. مختصات نثری مرآت الاسرار از نظر زبانی و ادبی

نثر این دوره مربوط به قرن یازدهم یعنی دوره نثر صفوی است. مختصات نثر این دوره عبارتند از:

۱- استفاده از آیات و احادیث، ۲- استفاده از ضرب‌المثل‌ها و عبارات عربی، ۳- درهم آمیختگی نظم و نثر، ۴- وجه وصفی که معمولاً به صورت غلط و گاهی درست به کار رفته و به هر حال ناخوشایند است، ۵- جمع بستن با ات، ۶- مطابقه موصوف و صفت، ۷- تتابع اضافات، ۸- جملات طولانی، ۹- استعمال افعالی چون گشتن و نمودن در معنی مجازی، ۱۰- ترکیبات غلط از جمع بین فارسی و عربی، ۱۱- وفور لغات ترکی و مغولی و ۱۲- القاب احترام‌آمیز (شمیسا، ۱۳۲۸: ۲۱۶-۲۱۸).

برخی از ویژگی‌هایی که در بالا ذکر شد و مشخصه نثر قرن یازدهم است، در این کتاب کم‌تر دیده می‌شود. ویژگی‌های غالب این متن با آنچه از کتاب دکتر شمیسا ذکر شد، مطابقت دارد.

۱- صداقت و وفاداری عباسی چشتی در نقل مطالب و حفظ ساختار جملات منابع:
* «و صاحب کشف‌المحجوب گوید که نامش ابوعلی الحسین بن الحسن البصری ست رحمه الله علیه و گروهی کنیتش ابومحمد کنند و گروهی ابوسعید. وی را قدری بزرگی ست نزدیک اهل این علم» (عباسی چشتی، نسخه مجلس، جلد ۱: ۸۰).

* «و گروهی کنیتش ابومحمد کنند و گروهی ابوسعید. وی را قدری و خطری بزرگ است به نزدیک اهل این علم» (هجوی، ۱۳۷۴: ۱۱۳-۱۱۴).

حکایتی که از تذکره دولتشاهی نقل می‌کند: «اما سبب توبه شیخ آن بود که بعد از وفات پدر به جای او به دکان عطاری نشسته بود که روزی دکان را آراسته، خواجه‌وش بر سر دکان بود و غلامان چالاک پیش او کمر بسته ایستاده، ناگاه درویشی تجرید در آن جا رسید» (عباسی چشتی، نسخه مجلس، جلد ۱: ۲۵۸).

* «اما سبب توبه شیخ آن بوده که پدر او در شهر شاباخ عطاری عظیم با قدر و رونق بوده و دوکانی آراسته داشتی چنان که مردم را از تماشای آن چشم منور و دماغ معطر شدی. شیخ روزی خواجه‌وش بر سر دوکان نشسته بود و پیش او غلامان چالاک کمر بسته ناگاه دیوانه‌ای بلکه در طریقت فرزانه به در دوکان رسید» (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۱۸۸).

عباسی چشتی حکایتی درباره خواجه قطب‌الاسلام نقل می‌کند: «در سیرالاولیا از سلطان مشایخ نقل می‌کند که: خواجه قطب‌الاسلام وقت خفتن، هر شب سه هزار بار صلوات گفتی. بعد از آن خواب کردی. چون او در اوش متأهل گشت به سبب تزویج سه شب، صلوات نگفت. یکی از مریدان وی احمد رئیس نام، حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم را به خواب دید، فرمود: سلام من به بختیار کاکی برسان! بگو هر شب تحفه که بر من می‌فرستادی، می‌رسیدی. سه شب است که نمی‌رسد» (عباسی چشتی، نسخه مجلس، جلد ۲: ۴).

نثر سیرالاولیا: «سلطان‌المشایخ می‌فرمود که: مردی بود رئیس نام، شبی در خواب دید قبه و خلقی انبوه در حوالی آن قبه مردی کوتاه بالای دید که هر بار در آن قبه درون می‌رود و بیرون می‌آید و پیغام خلق را جواب می‌گوید. آن رئیس پرسید که: درین قبه کیست؟ و آن مرد کوتاه بالا که بیرون می‌آید کدام است؟ گفتند: درین قبه حضرت رسالت است صلی الله علیه و آله و سلم و آن مرد عبدالله مسعود است. رئیس می‌گوید: نزدیک عبدالله رفتم و گفتم که: به خدمت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عرض دار که من می‌خواهم که ترا ببینم! عبدالله مسعود درون رفت و بیرون آمد و گفت: رسول خدا می‌فرماید که ترا هنوز اهلیت آن نشده است که مرا بتوانی دید، اما برو سلام من بختیار

کاکی را برسان و بگو هر شب تحفه‌ای که بر من می‌فرستی، می‌رسید سه شب است که نمی‌رسد مانع آن به خیر باد. این رئیس می‌گوید: من بیدار شدم و...» (علوی کرمانی، ۱۳۹۸: ۶۰)

همان‌طور که در متن‌های بالا مشاهده شد، عباسی چشتی هم از نظر محتوا به منبع وفادار است. هم هنگام نقل از هر منبع، تحت تأثیر نثر منبع قرار می‌گیرد. این ویژگی سبب شده است که مخاطب بدون دیدن منبع یاد شده، به ویژگی‌های نثری منبع و زمان نگارش آن پی ببرد.

۲- استفاده از گونه‌های مختلف فعل مجهول در مقدمه

* «دستی از غیب بر دست آن مرید رسید، متحیر شده...» (همان: جلد ۱: ۲۴۴).

* «دستگیری پیدُ الله مَن یَشاء به اسرار ولایت بهرمند گشته» (همان: ۲).

۳- استفاده از افعالی نظیر «نمود» و «باشد» در معنی مجازی

* «حضرت علاءالدوله در آن سخن اول نزاع نموده بود» (عباسی چشتی، نسخه مجلس جلد ۱: ۳).

* «والی کشمیر قریه دوا در به جهت سکونت او مقرر نمود اظهار مهربانی می‌کرد» (همان، جلد ۲: ۱۵۹).

* «او او یکی می‌باشد در هر روزگاری از زمان چنان که قطب ابدال نیز یکی می‌باشد. و دل او بر دل اسرافیل است در عالم نهان. قطب ارشاد وارث علم لدنی آن حضرت باشد در میان خلایق و بس» (همان، جلد ۱: ۵).

۴- کاربرد افعال به شکل وجه وصفی بدون آوردن قرینه

* «و صحابه کرام را نیز سب می‌کند از جهل و حماقه که در چند مواضع در قرآن کریم مدح ایشان فرموده اما به نسبت دیگران این چهارم را فامّا اهل سنت و جماعت را دیدم که به متابعت مصطفی صلی الله علیه السلام و صحابه کرام او که می‌روند...» (همان، جلد ۱: ۵)

* «...و از زمره دانشمندان و قیل و قال ایشان بیرون آمد و کاغذ و کتاب خود تمام به یاران بخشیده و غرور از آن وقت از جمیع قیود گذشته در غیاث پور ساکن گشت...» (همان، جلد ۲: ۸۸).

۵- گاهی به ندرت گونه‌ای از سجع در متن دیده می‌شود
متوازی و مطرف: «وی در رساله عشقیه می‌فرماید که هیهات هیهات! عاشق بیچاره هر چند که دور است، صبور است و هر چند که صبور است مستور است و هر چند که مستور است به پیاله خون دل مخمور است» (همان، جلد ۱: ۲۶۴).

۶- گاهی جابه‌جایی ارکان جمله نیز در متن دیده می‌شود
* «عزیزان که حاضر بودند برخاسته و ایستاده شدند. در عالم تحیر مستقبل گشتند خواهجه و این عزیزان و دعاگوی» (همان، جلد ۲: ۷)

۷- آوردن چند وجه وصفی پشت سرهم
* «دیدیم که مستی خراب کرده، قی کرده، افتاده است» (همان، جلد ۲: ۵).
* «از طواف حرمین متوجه جانب بغداد گشت علماء و مشایخ بغداد قدوم او را سعادت دانسته، استقبال کرده در شهر بردند» (همان، جلد ۲: ۸۹).

۸- آوردن نظم در وسط متن. عباسی چشتی، بیشتر ابیات مولانا را تضمین کرده، اما از سایر شاعران نیز بهره برده است:

«چو بادی صبا در به در، کو به کو طلب کار اویم، طلبکار، او
(همان، جلد ۲: ۹۵)

«اگر عاشق به مسجد درنیاید دلی عاشق همیشه در نماز است»
(همان: ۹۵)

۹- واژگان ترکی در متن اندک و به ضرورت استفاده شده است. همچون: قاآن
* «که حضرت فریدالدین گنجشکر در آن ایام به خدمت قراچه قطب الاسلام بود» (همان: ۶)

این متن از نظر زمانی و ویژگی‌های سبکی به سبک قرن ده تا دوازده؛ یعنی سبک عصر صفویه نزدیک است. دکتر شمیسا نثر دوره صفویه را نثر کتاب‌هایی می‌داند که بیشتر به صورت خطی در کتابخانه‌های ایران، عثمانی، هند و ماوراءالنهر نگاشته شده است و به سه دسته آن را تقسیم می‌کند: ساده، مصنوع، بین بین (شمیسا، ۱۳۲۸: ۲۱۶).

۱۰- کلمات با نشانه قید عربی
* «باید دانست که این طایفه جمله صورتاً و معنأ طالب حق هستند» (عباسی چشتی، بیتا مجلس، جلد ۱: ۳۲)
۱۱- تکرار واژه:

* «...در همه حال دیدن ایشان ظهور حق و شنیدن ایشان کلام حق و گفتن ایشان سخن حق و سکون ایشان بر مشرب حق..» (همان).

۱۲- ذکر القاب فراوان
* «ذکر آن قدوه الاصحاب و الاحباب آن متکلم بالحق و الصواب آن شیخ المحدث و الاجتهاد آن صاحب الدرّه و دافع الفساد و آن رموز و آن حضرت الوهاب مخصوص به عدالت امیر المومنین عمر بن خطاب رضی الله عنه کنیه او ابو حفص است» (عباسی چشتی، بیتا، نسخه مجلس، جلد ۱: ۴۸).

۱۳- معطوف کردن کلمات با واو عطف
* «...و علماء دین اتفاق دارند بر کثرت علم و وفور فهم و غایت زهد و تواضع و رفق وی بر مسلمانان و شدت و صلابت او بر کافران و کمال عدل و انصاف او و عدم تجاوز او از حق و اجتناب او از باطل و تعظیم او بر سنن رسول خدا صلی الله علیه و سلم و آله» (همان).

۱۴- کاربرد یای استمراری پس از فعل

* «...و امیرالمومنین را رسم بودی که چون علوم و اسرار در باطن او موج زدی و خواستی که چیزی را براندازد آن جا رفتی و کمیل زیاد را پیش خود بنشاندی و اسرار گفتن گرفتی و...» (همان: ۸۲)

۱۵- کاربرد فعل پیشوندی که در کل کتاب بسامد کمی دارد

* «و چون شب در آمد بعد از نماز خفتن شیخ سراج الدین جامه از تن مبارک برکشید و بر بستر افتاد و آن درویش تمام شب به نماز مشغول بو. چون بامداد شد شیخ برخاست» (همان، جلد ۲: ۹۵).

۱۶- ساخت واژه جدید با ترکیب واژه عربی و وند فارسی

* «که تمام عالم از شرق تا غرب فیضمند گشته به درجات عالی رسید» (همان: ۱۰۲).

۱۷- جمع بستن مصدر با نشانه «ات»

* «و ترقیات یافت که تمام عالم محتاج او گشت» (همان: ۱۰۳).

۱۸- استفاده از عناوین طولانی

عباسی چشتی در بیان هر طبقه ابتدا مختصری از اشخاص آن طبقه را نام می‌برد و سپس به شرح آن‌ها می‌پردازد: «طبقه اول در بیان مجملی از احوال حضرت رسالت پناه و ذکر خلفاء الراشدین و تتمه عشره مبشره و غیره» (همان، جلد ۱: ۴۰).

۱۹- عباسی چشتی پیش از بیان داستان زندگی هر عارف ابتدا کنیه، لقب، نسب او را معرفی می‌کند

«...عمر بن خطاب رضی الله عنه کنیه ابوحفص است و قیل ابوحفصه نسب وی نهم واسطه بالنسب سید عالم اتصال می‌یابد و مادری نیز از اهل قریش است بعد از صدیق اکبر بر مسند خلافت بنشست» (همان: ۴۸).

۲۰- توضیح اصطلاحات عرفانی همچون: صوفی، فقر، ملامتیه، واصل، سالک، انواع ولایت اعم از محمدیه و عیسویه، محمدی موسوی، محمدی عیسویه و...

* «واصل کسی را گویند که قوی به لطیفه او مزکی گشته به لطیفه حقی و طائر کسی را نام نهند که به لطیفه روحی رسیده و سایر کسی را گویند که صاحب قوی مزکی لطیفه نفسی باشد» (همان: ۵).

نثر مرآت الاسرار را می توان از جمله نثرهای «بین بین» دوره صفوی دانست که در ابتدا و انتهای تذکره جملات طولانی و فعل ها در وجه وصفی به کار می روند. آرایه های ادبی پیچیده در این متن به کار نرفته است و لفظ تنها برای افاده معنی به کار می رود. تنها بلندی جملات در ابتدا و انتهای نسخه، تضمین آیات، کاربرد سجع در برخی بخش های کتاب، این نثر را جزء نثرهای بین بین عهد صفوی قرار می دهد. نثر این کتاب هنگام ارجاع به کتب کهن همچون کشف المحجوب نزدیک به مرسل می شود و از وجه وصفی خالی است.

نتیجه گیری

مرآت الاسرار، تذکره ای دوجلدی درباره صوفیان است که نویسنده در ابتدای آن احوال بیست و نه طبقه و چهارده خاندان را نام می برد و پس از ذکر طبقه بیست و سوم، کتاب را به پایان می برد. زمان نگارش این کتاب در قرن یازده و در زمره نثرهای دوره صفویه است. نسب عباسی چشتی طبق گفته های او علوی است و جد مادری اش به ترکان سلجوقی می رسد. او بیشتر تذکره های دوره پیش از خود را دیده است و از آن ها به عنوان منبع یاد کرده است. در نقل مطالب به منابع خود از نظر محتوا و نوع نثر پایبند است تا حدی که مخاطب دچار ابهام و تردید می شود که نوشته از آن عباسی چشتی است یا منبع. با اینکه نویسنده به سال نشر تذکره های پیش از خود اشاره نمی کند، اما نوع نثر نقل قول، نمایانگر نوع نثر کتاب منبع است. از این تذکره ۹ نسخه در فهرستگان نسخ فارسی ایران و پاکستان ذکر شده است که دوتای آن، یافت نشد. از نظر محتوا و مضمون مرآت الاسرار، حاوی زندگی نامه عرفا و آداب و رسوم فرقه های مختلف عرفانی است. فاقد شطحیات عارفان است و از نظر مطالب و محتوای ذکر شده، جزء کتب درسی عرفانی محسوب می شود. نثر آن «بین بین» است؛ زیرا جملات او در ابتدای کتاب طولانی و در میانه، پیرو متن های منبع است. آرایه هایی نظیر تضمین و سجع در متن دیده می شود، اما لفظ در این کتاب تنها برای

افاده معنی به کار می‌رود و از این لحاظ بین سبک مصنوع و ساده دوره صفوی است که لغات ترکی- مغولی و عربی دشوار ندارد. این کتاب یک‌بار به زبان اردو تصحیح شده است. سلسله چشتیه با آنکه پیروان زیادی دارد، اما در زبان فارسی به آن، چنان‌که بایست، نپرداخته‌اند. به همین دلیل مرآت‌الاسرار یکی از منابع مهم، مستند و متقن درباره فرقه چشتیه است.

سپاس‌گزاری

از دانشگاه شیراز برای حمایت از طرح پسادکتری تصحیح و تعلیق مرآت‌الاسرار سپاس‌گزارم.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Nagaf Jokar



<https://orcid.org/0000-0003-0686-6828>

Sharare Tajmir Riahi



<https://orcid.org/0000-0001-8594-140X>

منابع

- آریا، غلامعلی. (۱۳۶۵). *طریقه چشتیه در هند و پاکستان و خدمات پیروان این طریقه به فرهنگ اسلامی و ایرانی*. تهران: انتشارات زوار.
- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۹۴). *نقعات الانس*. تصحیح محمود عابدی. تهران: انتشارات سخن.
- جعفری، حسین علی. (۱۳۹۲). *سلسله سهروردیه در شبه قاره هند*. فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی. (۱۳۹۲)، ۲۰۳-۲۲۲.
- حسنی، عبدالحی. (۱۹۸۳). *الثقافة الإسلامية فی الهند (معارف العوارف فی انواع العلوم و المعارف)*. شارح ابوالحسن علی حسنی ندوی. دمشق: نشر مجمع اللغة العربیه.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۳۴). *فهرستگان نسخ خطی ایران (فخا)*. تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- سمرقندی، دولتشاه بن بختیشاه. (۱۳۸۲). *دولتشاه سمرقندی*. به اهتمام و تصحیح ادوارد براون. تهران: انتشارات اساطیر.

سبحانی، توفیق. (۱۳۷۷). *نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند*. تهران: انتشارات گسترش زبان و ادبیات فارسی.

سمرقندی، امیر دولتشاه. (۱۳۶۶). *تذکره الشعراء*. تصحیح محمد رضایی. تهران: انتشارات کلاله خاور.

سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۸۶). *دایره المعارف نو*. تهران: انتشارات علم و زندگی.

شمیسا، سیروس. (۱۳۲۸). *سبک شناسی نثر*. تهران: انتشارات میترا.

عطار کدکنی نیشابوری، فرید الدین ابوحامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن اسحق (۱۳۹۵). *تذکره الاولیاء*. تهران: انتشارات سخن.

علوی کرمانی، سید محمد بن مبارک. (۱۳۹۸). *سیرالاولیاء*. لاهور: انتشارات گنج بخش.

لعلی بدخشی، میرزا لعل بیگ. (۱۳۷۶). *ثمرات القدس من شجرات الانس*. تصحیح حاج سید کمال سید جوادی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مصاحب، غلامعلی (۱۳۴۵). *دایره المعارف فارسی*. نیویورک - تهران: نشر فرانکلین.

هجویری غزنوی، ابوالحسن علی بن عثمان جلابی. (۱۳۷۴). *کشف المحجوب*. اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

References

- Alavi Kermani, S. M. (2019). *Siralawlia*. Lahore: Ganj Bakhsh. [In Persian]
- Arya, Gh. (1986). *The Chishti method in India and Pakistan and the services of the followers of this method to Islamic and Iranian culture*. Tehran: Visitor Publishing. [In Persian]
- Attar Kodkani Neishaburi, F. (2016). *Tazkar-Alolya*. Tehran: Speech. [In Persian]
- Draiti, M. (1955). *Catalogers of Iranian manuscripts (Fankha)*. Tehran: National Library and Documentation Organization of Iran. [In Persian]
- Hajwiri of Ghaznavi, A (1955). *Kashf al-Mahjoob Persian Research Center of Iran and Pakistan*. Islamabad. [In Persian]
- Hosni, A. (1983 AD). *Al-Thaqafa al-Islamiyya fi al-Hind (Encyclopedias of all sciences and encyclopedias)*. Commentator Abul Hasan Ali Hosni Nadavi. Damascus: Majmall al-Lagheh al-Arabiya. [In Persian]
- Jafari, H, A. Suhrawardiya series in the Indian subcontinent. *Educational Management Research Quarterly*, (2013), 203-222. [In Persian]
- Jami, A. (2015). *Nafahat Elans*. Edited by Abedi. Tehran: Mahmoud Sokhan Publishing. [In Persian]

- Lali Badakhshi, M. L. (1997). *My holy fruits are the trees of Alans*. Proofreader Haj Seyed Kamal Seyed Javadi. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Musaheb, Gh, A. (1966). *Persian Encyclopedia*. NewYork- Tehran: Franklin Publishing. [In Persian]
- Saidian, A. (2006). *New Encyclopaedia*. Tehran: Science and Life Publications. [In Persian]
- Samarkandi, A. (1987). *Tadzirah of the poets*. Edited by Mohammad Ramezani. Tehran: Kalala Khavar. [In Persian]
- Samarkandi, D. (2003). *Dolatshah Samarkandi. To the attention and correction of Edward Brown*. Tehran: Asatir. [In Persian]
- Shamisa, C. (1949). *Prose stylistics*. Tehran: Mitra Publishing. [In Persian]
- Sobhani, T. H. (1998). *A look at the history of Persian literature in India*. Tehran: Persian language and literature expansion publication. [In Persian]



استناد به این مقاله: جوکار، نجف، تاجمیر ریاحی، شراره. (۱۴۰۲). تأملی در تذکره مرآت الاسرار، عرفان‌پژوهی در ادبیات، (۴) ۲، ۸۱-۱۰۰.

Doi: ---



Mysticism in Persian Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.